

دکتر تورج اتابکی فیزیک نظری و تاریخ را در دانشگاه لندن آموخت. پس از اخذ درجه دکتری در سال ۱۹۹۱، به مدیریت بخش تاریخ اجتماعی خاورمیانه و آسیای مرکزی در دپارتمان تاریخ دانشگاه آکستر دام برگزیده شد. وی پژوهشگر ارشد انجمن بین المللی تاریخ اجتماعی و رئیس انجمن اروپایی مطالعات آسیای مرکزی است.  
از دکتر اتابکی کتاب‌های زیر منتشر شده است:

- Azerbaijan, Ethnicity and Autonomy in the Twentieth-Century Iran, London, IB Tauris, 1993.
- Centraal Azië, Amsterdam, Koninklijk Instituut voor de Tropen-Novib-NCOS, 1994.
- Post-Soviet Central Asia, (ed.), London, I.B.Tauris, 1998.
- Azerbaijan: Ethnicity and the struggle for power in Iran, London, I.B.Tauris, 2000.
- Iran-Turan: A Blithe and Bitter Tale of Neighbourhood, London, BBC world service publication, 2000.
- Men of Order: Authoritarian Modernisation in Turkey and Iran (with Erik Jan Zürcher), London I.B. Tauris, 2003.

یکی از کتاب‌های ایشان با عنوان آذربایجان در ایران معاصر با ترجمه‌ی محمد کریم اشراق توسط نشر طوس در سال ۱۳۷۷ منتشر شده است.

گفت و گو با دکتر تورج اتابکی

تاریخ اجتماعی؛ نانی و مطالعات فرهنگی

نگاه

از  
پایین



## در حوزه تاریخ نگاری اجتماعی در ایران، نگاه از پایین یا تاریخ از منظر توده مردم همچنان دوران اگر نگوئیم کودکی، نوجوانی اش را می گذراند

اندیشه، تاریخ اندیشه بنامیم. یک مورخ اقتصادی ممکن است رغبتی به خواندن آثار میرزا آقاخان کرمانی نداشته باشد و بالعکس یک مورخ تحول و تطور اندیشه شاید در پی یافتن سیاق معیشت مردم نباشد، اما تاریخ اجتماعی مفهومی مجرد نیست. مورخ اجتماعی را گریزی از مطالعه‌ی بود و باش مردم یا تحول و تطور اندیشه‌شان نیست.

با توجه به این توضیحات، تاریخ اجتماعی چه ارتباطی با حوزه‌های دیگر علوم انسانی دارد؟

○ تاریخ اجتماعی پیوند تنگاتنگی با حوزه‌های دیگر علوم انسانی دارد یا می‌تواند داشته باشد. اما این به آن معنا نیست که این نوع تاریخ براساس الگوهایی که در دیگر شاخه‌های علوم انسانی وجود دارد، نوشته می‌شود. اما اگر تاریخ اجتماعی الگوبردار از دیگر شاخه‌های علوم انسانی نیست، در حوزه‌های فن و روش تحقیق نه تنها مرتبط با دیگر شاخه‌های علوم انسانی است، بلکه گاه وامدار آنها نیز بوده است.

مثلاً جامعه‌شناسی یا مردم‌شناسی اجتماعی با بهره‌گیری از آمار و ابزارهای فناوری به دستاوردهای چشمگیری در فهم جامعه و بود و باش مردم رسیده‌اند. تاریخ اجتماعی بهره‌گیری از چنین روش‌های پژوهشی که متعلق به شاخه‌های دیگر علوم انسانی است به غنای کار خود می‌افزاید و یا باز در شاخه مردم‌شناسی اجتماعی (Social anthropology) روش مصاحبه ژرفنایی (interview-in-depth) یا روش‌های روانکاوانه (Psychoanalytical)، به مثابه روش تحقیق می‌تواند به مدد مورخ اجتماعی که درگیر پژوهش در حوزه تاریخ معاصر است، بیاید. و یا مثلاً با استفاده از آمار و ریاضیات توانسته‌ایم در جمعیت‌شناسی نتایج بسیار چشمگیری به دست آوریم. نمونه‌ای به دست بدهیم: می‌دانیم که نخستین سرشماری عمومی در ایران به سال ۱۹۵۶ بود. تا این تاریخ سرشماری عمومی و فراگیر نداشتیم. حال با ارجاع به نتایج این سرشماری و در نظر داشت نرخ تقریبی رشد جمعیت (۷۵ صدم درصد) توانسته‌ایم نمایی از جمعیت کشور در آغاز قرن بیستم، پیش از انقلاب مشروطه داشته باشیم. و البته نه تنها رقم جمعیت کل کشور بلکه ارقام مربوط به تفکیک جنسیت و دیگر شاخه را نیز به دست آوریم. بهره‌گیری از این دستاوردهای شاخه‌های دیگر علوم انسانی البته به معنای کشاندن تاریخ اجتماعی به زیر مجموعه‌ای از دیگر علوم انسانی نیست. همان گونه که تدوین تاریخ اقتصادی را نمی‌توان به دوش تئوری اقتصادی نهاد، تدوین تاریخ اجتماعی را نیز نمی‌توان به جامعه‌شناسی حواله کرد. الگوهای به کار رفته در دیگر شاخه‌های علوم انسانی نمی‌تواند آن الگوی مطلوب یا چهارچوب تحلیلی‌ای را فراهم آورد که برای مطالعه تاریخی بلند مدت دگرسانی‌های اجتماعی-اقتصادی ضروری است.

سابقه‌ی تاریخ نگاری اجتماعی به چه زمانی بر می‌گردد و آیا می‌توان تاریخچه‌ای از این نوع تاریخ نگاری در جهان غرب ارائه کرد؟

○ تاریخ نگاری اجتماعی در غرب چندان طولانی نیست. عمر آن مطمئناً کوتاه‌تر از نحله‌های دیگر تاریخ نگاری و از جمله تاریخ نگاری سیاسی است که آن هم عمری کم و بیش دو صد ساله دارد. از آغاز قرن نوزدهم میلادی تاریخ نگاری سنتی اروپا به شکل چشمگیری دستخوش تحول شد و این البته پیامد انقلاب فرانسه بود. زادگاه زایش تاریخ نگاری نوین غرب هم آلمان بود که در واکنش به انقلاب فرانسه و اشغال موقت سرزمین شان از سوی نظامیان ناپلئون در پی کشف بافت و ساخت انقلاب فرانسه برآمدند. رفته رفته تاریخ به عنوان یک موضوع وارد مواد درسی مدارس و دانشگاه شد و نگارش تاریخ به اهل کار یعنی مورخان حرفه‌ای سپرده شد که کثیری از اینها تاریخ را به مثابه یکی از رشته‌های دانش به طور منظم آموخته بودند. پیش کسوت این گروه از تاریخ نگاران البته تاریخ نگاران

## پروژه پژوهشی «تجدد آمرانه» تلاش دارد تا نگاهی از پایین به تجدد آمرانه داشته باشد و تاریخ قبول و رد تجدد آمرانه را بررسی کند، این یک مطالعه‌ی تطبیقی است که ایران و ترکیه را در نظر دارد

در ابتدا خوب است مفهوم تاریخ اجتماعی، ابعاد آن و سنخیت آن با حوزه‌های دیگر تاریخ را توضیح دهید؟

○ ارائه تعریفی دقیق از اصطلاح تاریخ اجتماعی، ساده نیست. در تاریخ نگاری، این اصطلاح عمدتاً در سه حوزه نه لزوماً جدای از یکدیگر تعریف شده است: نخست: تاریخ لایه‌ها، گروه‌ها و طبقات پایین جامعه، جنبش‌های اجتماعی این گروه‌ها و طبقات و نقش‌شان در فرایند تکوینی جامعه. در این حوزه ثقل تاریخ نگاری پرداختن به اعتراضات و مبارزاتی است که گروه‌های فرودست جامعه برای دگرگون ساختن ساختارها نشان می‌دهند.

دوم: تاریخ فعالیت اجتماعی انسان‌هاست که بیشتر با رفتار اجتماعی و زندگی روزمره آنها متعین می‌شود. در این حوزه، فعالیت اجتماعی انسان‌ها تنها محدود به فعالیت گروه‌های فرودست جامعه نمی‌شود. تاریخ اجتماعی در این حوزه، در عام‌ترین تعریف، تاریخی است که در آن جایی برای سیاست نباشد. سوم: در این حوزه تاریخ اجتماعی بیشتر با تاریخ اقتصادی پیوند می‌خورد، اما تاریخ اقتصادی نیست. ما می‌توانیم تاریخ فعالیت‌های انسان‌ها را در حوزه اقتصادی، تاریخ اقتصاد بنامیم و یا تاریخ فعالیت‌های انسان‌ها را در حوزه



نودج ۱۳۸۵

آذربایجان

ایران معاصر

رحمة  
محمدرضا بهرامی

سیاسی بودند. تا این جا هنوز از تاریخ اجتماعی به مفهوم امروزی آن خبری نیست. تاریخ اجتماعی مفهومی برابر تاریخ گذران روزانه (every day life) مردمان دارد و بیشتر مبتنی بر ادبیات است و با آن گره می خورد. اجازه بدهید همین جا اشاره‌ای داشته باشم به پیش‌کسوتان این نحله از تاریخ اجتماعی در غرب. (۱۸۵۶-۱۷۹۵) آگوستین تیری (Augustin Thierry) پیش‌کسوت تاریخ نگاری بود و باش مردمان بود. اثر سترگش Letters Sur L'nistorire de France را به سال ۱۸۲۸ نوشت. مورخ در این دوره مصلح اجتماعی هم هست. در کار تیری هم این را می بینیم و البته نکته دیگر هم اینکه در همین ثبت بود و باش مردمان، تاریخ با فلسفه نیز گره می خورد.

اما تاریخ زایش تاریخ نگاری اجتماعی به دهه پنجاه قرن بیستم برمی گردد. البته پیش از این و به ویژه از پی انقلاب روسیه و برآمدن حکومت شوروی در آنجا رویکرد تازه‌ای به تاریخ اجتماعی داشتیم، اما در این رویکرد که بیشتر به تاریخ طبقات فرودست جامعه توجه داشت نقل تاریخ همچنان به دوش سیاست بود و تاریخ سیاسی همچنان حایل بر نگارش بود و باش مردمان بود. اما از حقیقت که نگذریم، در همین رویکرد استالینی به تاریخ اجتماعی، آثار خواندنی نیز به جا مانده است.

به هر رو با دهه ۱۹۵۰ میلادی است که تاریخ اجتماعی به مثابه‌ی نحله‌ای مستقل از تاریخ «مدون» می شود. در فرانسه ظهور مکتب آنالیز را داریم که نگارش تاریخ اقتصادی و اجتماعی را هدف گرفته، در انگلستان مجله «گذشته و حال» (Past and Present) را داریم که به همت گروهی از تاریخ نگاران «غیر حزبی» یا گرفت و خیلی زود کارشان صیغه بین المللی می گیرد. آلمان ده سالی دیرتر و با نقد ناسیونالیسم سنتی آلمان و با نگارش تاریخ جمهوری وایمر وارد این حوزه شد. این البته برای سرزمینی چون آلمان که سنگر سنت گرایان در حوزه‌ی تاریخ نگاری بود، بسیار چشمگیر می نمود.

در فرانسه تاریخ اجتماعی با درخشش جورج روده (George Rude) قلمرو تازه‌ای را به زیر بال گرفت. روده پیش‌کسوت نگارش تاریخ از منظر توده‌ی مردم بود؛ یا آن گونه که در زبان انگلیسی داریم History from below. کار بزرگ او با نام «جماعت در انقلاب فرانسه». یکی از ماندگارترین مراجع برای درک انقلاب فرانسه است.

سابقه‌ی تاریخ اجتماعی را در ایران و کشورهای خاورمیانه هم می توان ردیابی کرد؟  
 ○ در ایران و خاورمیانه پرداختن به تاریخ اجتماعی، پرداختنی نو است. در قیاس با نگارش تاریخ سیاسی، نگارش تاریخ اجتماعی رهروان کمتری دارد و به همین دلیل راه ناهموارتر است. تا قرن بیستم میلادی، تاریخ نگاری در این بخش از جهان که ما ایرانیان واقع شده‌ایم عمدتاً تاریخ‌نگاری عمومی بود که بنیادشان بیشتر بر روایت بود و یا تاریخ نگاری سنتی که وقایع‌نگاری‌ها و مجلس‌نویسی‌ها را شامل می شد و یا تاریخ نگاری دودمانی که البته این یک بیشتر به زبان محلی رقم می خورد. میرزا آقاخان کرمانی، ناظم اسلامی کرمانی یا احمد کسروی به حق پیشرو تاریخ نگاری عمومی - سیاسی نوین ما هستند. استناد اینان بر روایات سیاسی یا مشاهدات شخصی، نحله‌ای تازه در برابر تاریخ نگاران ایران گشود که به خلق آثار ماندنی در باب انقلاب مشروطه یا ملی شدن صنعت نفت دست زدند. در دهه ۱۹۶۰ استناد بر روایات سیاسی یا مشاهدات شخصی در تاریخ نگاری آرام آرام رنگ باخت و فلسفه نیز به کارآمد. فریدون آدمیت رشته تحقیقاتی منتشر کرد در حوزه تاریخ اندیشه و فکر سیاسی و اجتماعی که یگانه بود. نسل من از ایشان بسیار آموخته‌ایم و سخت وامدارشان هستیم. اما با آشنایی ما و همسایگانمان با جامعه‌شناسی به مثابه حوزه‌ای از کار دانشگاهی، تاریخ نگاری اجتماعی به مرور جای خود را نزد اهل تاریخ و مورخان بازکرد. آلبرت هورانی «تاریخ مردم عرب»

همان گونه که تدوین تاریخ اقتصادی را نمی توان بر دوش تئوری اقتصادی نهاد،  
 تدوین تاریخ اجتماعی را نمی توان به جامعه‌شناسی حواله کرد

زادگاه تاریخ نگاری نوین غرب،  
 آلمان بود که  
 در واکنش به انقلاب فرانسه  
 و اشغال موقت سرزمینشان  
 از سوی نظامیان ناپلئون در پی کشف بافت  
 و ساخت انقلاب فرانسه برآمدند

## تاریخ اجتماعی بنا به یک تعریف، تاریخ فعالیت اجتماعی انسان هاست که بیشتر با رفتار اجتماعی و زندگی روزمره آنها تعیین می شود و بنابراین تاریخ اجتماعی، تاریخی است که در آن جایی برای سیاست نباشد

## تا قرن بیستم میلادی، تاریخ نگاری در خاورمیانه عموماً تاریخ نگاری عمومی بود که بنیادشان بیشتر بر روایت بود و یا تاریخ نگاری سنتی که وقایع نگاری ها و مجلس نویسی ها را شامل می شد و یا تاریخ نگاری دودمانی که البته این یک بیشتر به زبان محلی رقم می خورد

را نوشت و خلیل اینالجیک Khalil Inaljik تاریخ اجتماعی عثمانی را به تحریر درآورد.

در ایران آنچه که در آغاز بیشتر به تاریخ نگاری اجتماعی می ماند، اثر سعید نفیسی است با نام «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر» یا «دو قرن سکوت» عبدالحسین زرین کوب و یا کار پرچم مرتضی روندی با نام «تاریخ اجتماعی ایران». در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، تاریخ اجتماعی قرن نوزدهم ایران توجه بسیاری از تاریخ نگاران را به خود جلب کرد. آرشیه های انگلیس، روسیه، شوروی، فرانسه و ایران مورد بهره گیری بسیاری از این گروه قرار گرفت. این گروه شامل تاریخ نگاران ایرانی، غربی و شوروی می شد و آثار ماندگاری از خود به جا گذاشتند. در ایران از پی انقلاب این فرایند ادامه یافت و البته گسترده تر شد. همین جا اجازه بدهید به جلد هفتم تاریخ کمبریج که به سال ۱۹۹۱ از چاپ درآمد اشاره کنم که از دوران افشاری تا انقلاب اسلامی را در برمی گیرد و هر چند تحولات اجتماعی - اقتصادی قرون نوزدهم و بیستم را در بر می گیرد، اما در آن سراغی از جنبش های اجتماعی نیست.

در دو دهه گذشته تاریخ نگاری اجتماعی رفته رفته به شکل یکی از دغدغه های فکری گروهی از ایرانیان اهل تاریخ چه در داخل کشور و چه در خارج از ایران درآمد است. اما در حوزه تاریخ نگاری اجتماعی، نگاه از پایین یا تاریخ از

منظر توده مردم، همچنان دوران اگر نگوییم کودکی، نوجوانی اش را می گذراند. کمی هم درباره ی پژوهشکده بین المللی تاریخ اجتماعی آمستردام که جناب عالی مدیریت یکی از بخش های آن را بر عهده دارید، توضیح دهید. به ویژه درباره ی کارهای این پژوهشکده در حوزه ی تاریخ اجتماعی ایران.

○ پژوهشکده بین المللی تاریخ اجتماعی در آمستردام از سال ۱۹۳۵ فعالیت هایش را باهدف ارتقای سطح دانش و پژوهش های اقتصادی و اجتماعی آغاز کرد و طی این سال ها با فراهم آوردن امکانات گوناگون توانسته است در جهت بهبود کیفیت مطالعات و پژوهش های تاریخ اجتماعی و اقتصادی، هم در هلند و هم در عرصه بین المللی گام های بلندی بردارد.

فعالیت بخش خاورمیانه و آسیای مرکزی این پژوهشکده که من مسئول آن هستم از سال ۱۹۹۵ آغاز شد. دامنه فعالیت های این بخش و محدوده پژوهشی اش در ابتدا عمدتاً متوجه تاریخ جنبش های اجتماعی ایران، قفقاز و آسیای مرکزی در سال های نخست قرن بیستم میلادی بود.

فعالیت بخش خاورمیانه و آسیای مرکزی شامل دو حوزه جمع آوری اسناد و پژوهش است. در حوزه جمع آوری اسناد این بخش توانسته بایگانی اسناد مربوط به ایران در زمان حکومت تزاری ۱۹۱۷-۱۹۰۰ را که در برگیرنده گزارش های رسمی و گزارش های مأموران خفیه دولت تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران بوده است، به دست آورد. همچنین گزارش هایی را که طی همین دوره زمانی در بایگانی های تفلیس موجود بوده و عمدتاً و به ویژه به نقش انقلابی گرجی در انقلاب مشروطه مربوط است، گردآوری کرده است.

مجموعه قابل توجهی نیز از اسناد آرشیو کمیترون مربوط به سال های ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱ که در برگیرنده گزارش های بخش های مختلف کمیترون و مأموران آنها در منطقه است فراهم آمده. همچنین باید از مجموعه اسناد سازمان های چپ ایران و از جمله حزب کمونیست ایران اشاره کرد که اینک در اختیار پژوهشکده بین المللی تاریخ اجتماعی است. این تنها گوشه ای از مجموعه هایی است که مربوط به ایران می شود. سیاهه تمامی این اسناد البته در نشانی اینترنتی پژوهشکده موجود است.

در حوزه پژوهش، دو قلمرو «تجدد آمرانه» و «مهاجرت» ثقل پژوهش ها را تشکیل می دهد. پروژه پژوهشی تجدد آمرانه تلاش دارد تا نگاهی از پایین به تجدد آمرانه داشته باشد و تاریخ قبول و رد تجدد آمرانه را بررسی کند، این یک مطالعه ی تطبیقی است که ایران و ترکیه را در نظر دارد. چرا که یکسانی های زیادی در اجرای تجدد آمرانه در هر دو این کشورها وجود دارد. پرداختن به تجدد آمرانه از بالا و از منظر اهل قدرت و نهادهای سیاسی-اجتماعی، موضوع تاریخ نگاری بسیاری بوده، اما کمتر تاریخ نگاری به راه کمتر همواره نگاه از پایین، این واکنش جمهور مردم به تجدد آمرانه پرداخته است.

پروژه دیگر موضوع «مهاجرت و جابجایی قومی» است. این پروژه که عمدتاً قفقاز را در دوران استالینی در برمی گیرد به ناچار شامل ایران نیز می شود، چرا که از میان قرن نوزدهم هر سال هزاران تهیدست ایرانی برای یافتن کار راهی سرزمین های جنوبی روسیه تزاری می شدند. این گروه از ایرانیان که شمارشان به صدها هزار تن می رسید یکی از عمده گروه های قومی مهاجر را در دوران شوروی تشکیل می دادند. در دوران استالین در پی سیاست همگنی ملی و جابجایی قومی، ایرانیان مهاجر نیز چون اقوام دیگر ساکن شوروی دستخوش تصفیه ها و جابجایی ها قرار گرفتند. اسناد این تصفیه ها و جابجایی ها اینک در اختیار پژوهشکده بین المللی تاریخ اجتماعی است. براساس این اسناد پروژه های برای تدوین تاریخ این دوره از قفقاز در جریان است و البته در مورد ایرانیان پژوهشی است در باب کارنامه و زمانه ایرانیان قفقاز.

با تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید.